



# تقریب

## در کلام شهید مطهری

دکتر محمدعلی آذرشب

خود توجه کنند. باید فعالیت‌های علمی و فکری خود را دهها برابر سازند. باید بدانند که بسنده کردن به مطالعات فقهی و اصولی رسمی، نیازهای نسل معاصر را برآورده نمی‌سازد.<sup>(۱)</sup>

«استاد شهید»، فعالیت فکری و فرهنگی خود برای احیای دین در جامعه را این‌گونه خلاصه می‌کند، مصداق آن را نیز در مقالات و کتاب‌های تألیفی و سخنرانی‌هایی که ایراد کرده است، می‌بینیم. ایشان به همه نیازهای فکری جامعه پاسخ گفت و فلسفه عمیق اسلامی را با تدوین توضیح و تفسیر کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» (در پنج جلد) آغاز کرد و به نوشتن داستان‌های تربیتی ساده‌ای برگرفته از سیره و تاریخ اسلام در کتاب «داستان راستان» در دو جلد، پایان داد. «استاد شهید مرتضی مطهری» توانست مسایل فلسفی را با پرداختن به واقعیت اجتماعی مطرح سازد و کتاب‌هایی چون «علل گرایش به مادیگری» و «عدل الهی» را ارائه دهد و خطوط کلی دیدگاه اسلام نسبت به هستی و زندگی را در چندین کتابی که به موضوع توحید و نبوت و رستاخیز می‌پردازند، مطرح سازد. ایشان درس‌هایی در علوم اسلامی از جمله عرفان، فلسفه، منطق و کلام نیز به نگارش درآورد و در کتاب‌های متعددی به مقابله با نظریه ماتریالیستی و تفسیر مادی تاریخ و جامعه، پرداخت و در چندین کتاب و مقاله، موضوع زن را مورد بررسی قرار داد و در تفسیر قرآن و پیوند قرآن با زندگی، درس‌ها و سخنرانی‌ها و مقالاتی ارائه کرد. او در توضیح مفاهیم اسلامی و

«استاد مرتضی مطهری» وظیفه خود را ارائه و عرضه اسلام به زبان زمانه می‌دانست: به عبارت دیگر او، اصالت و همراهی با زمانه را با هم جمع کرد. چه بدون چنین جمعی، گرایش فکری در جامعه اسلامی به یکی از دو راه می‌انجامد: انزوا، عقب ماندگی و دوری از روح زمانه یا تحریف اسلام به نام پیشرو بودن و پروتستانیسم. «استاد شهید» در هشدار به پیشگامان نهضت اسلامی به همین نکته اشاره دارد و می‌گوید: «من به عنوان فردی که احساس مسؤلیت الهی می‌کند، به رهبران بزرگوار نهضت اسلامی هشدار می‌دهم و حجت را میان خود و پروردگار جهانیان تمام می‌کنم و به ایشان می‌گویم: «گسترش اندیشه‌های غربی و التقاط آنها به نام اندیشه اسلامی و اعطای انگ و رنگ اسلامی به آنها- اعم از این که با سوء نیت یا بدون سوء نیت صورت گرفته باشد- خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند. شیوه رویارویی با این خطر نیز در منع و هشدار... نیست؛ مگر می‌شود تشنگان آب را به بهانه آلوده بودن آب، از آشامیدن آن منع کرد؟! این مسؤلیت نهاده شده بر عهده ماست که کتاب‌هایی به زبان روز در عرصه‌های مختلف اسلامی ارائه دهیم. ما اگر آب زلال و گوارا را به مقدار کافی بر آنان عرضه کنیم، به سراغ آب آلوده نخواهند رفت.

شیوه رویارویی، عرضه صحیح مکتب اسلام در همه زمینه‌ها و به زبان معاصر است. حوزه‌های علمیه ما که امروزه سرشار از فعالیت‌های اجتماعی است، باید به مسؤلیت‌های بزرگ علمی و فکری

احیاگری با تقریب چه پیوند و نسبتی دارد؟  
مشخصات یک جامعه پویا چیست؟  
گفتمان احیاگرانه دارای چه ویژگی‌هایی است؟  
مقاله دکتر آذرشب در پاسخ بر سئوالاتی از این دست شکل گرفته است.

بنیان جستار حاضر بر این اندیشه استوار است که احیاگران اندیشه اسلامی، از جمله استاد شهید مرتضی مطهری، هیچ‌گاه فارغ از دغدغه دعوت به وحدت مسلمانان نبوده‌اند و اصولاً نشانه پویایی و زنده بودن یک جامعه، پیوند ارگانیک اجزای آن با یکدیگر و هماهنگی آنها در عمل است.

به باور نویسنده، گفتمان احیاگرانه، فراتر از چارچوب مذهب و برتر از گفتمان فرقه‌ای است. دکتر آذرشب که خود از کوشندگان راه تقریب است، در این مقاله، دو موضوع مهم و کلیدی: «عرضه اسلام به زبان روز» و نیز «وحدت امت در گفتمان شهید مطهری» را در چند محور به بحث و بررسی نشسته است.

بیان انحرافات که گریبانگیر این مفاهیم شده نیز بد طولایی دارد.

همه این تلاش‌ها و کوشش‌ها بیانگر کوشش پیگیری است که نزدیک به سی سال در جمع میان «اصالت» و «همراهی با زمانه» برای احیای اسلام در جامعه‌ای که نیروهای شر و گمراهی و انحراف از هر سو آن را دربر گرفته و از مسیر اسلامی صحیح دورش ساخته بودند، به کار برد.

وحدت امت در گفتمان «شهید مطهری»

مسأله نزدیکی (تقریب) مذاهب اسلامی و وحدت امت، گستره بزرگی از فعالیت‌های فکری، تبلیغی و علمی «شهید مطهری» را در بر می‌گیرد. این پدیده در شخصیتی که احیای امت را وجهه همت خود قرار داده، کاملاً طبیعی است.

نگاه کوتاهی به مهمترین محورهای گفتمان «شهید مطهری» در این عرصه می‌افکنیم:

محور نخست- توجه به گفتمان وحدت در قرآن کریم: ایشان در سخنان و نوشته‌های خود، آیاتی از کتاب خدا در تأکید بر وحدت صف اسلامی را تکرار می‌کند، از جمله این آیه «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (سوره آل عمران- ۱۰۳) (و همگان به ریسمان خداوند بیاویزید و مپراکنید.) و آیه «ولا تكونوا کاذبین» (تفرقوا و اختلافوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئک لهم عذاب عظیم» (سوره آل عمران- ۱۰۵) (و مانند کسانی نباشید که پراکندند و پس از آنکه گواه‌ها برای آنان آمد، اختلاف کردند و آنان را عذابی سترگ خواهد بود.) و آیه «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (سوره انفال- ۴۶) (... و در نیفتید که سست شوید (بترسید) و شکوهتان از میان برود.) و آیه «انما المومنون اخوة» (سوره حجرات- ۱۰) (جز این نیست که مومنان، برادرند...) و آیه: «و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا...» (سوره حجرات- ۹) (و اگر دو دسته از مومنان جنگ کنند...)

و از آیه کریمه «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر» (سوره آل عمران- ۱۰۴) (و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فرا می‌خوانند و...) یاد می‌کند و بر آن است که دعوت و فراخوانی در این آیه، به مطلق نیکی (خیر) است و مهمترین خیر نیز، فراخواندن به وحدت اسلامی است. (۲)

محور دوم- بیان سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در پاسداری از وحدت امت: در مورد سیره پیامبر اکرم (ص)، اهتمام آن حضرت به عقد برادری میان مهاجرین و انصار را ذکر می‌کند که تا مدت‌ها، (این برادران) از یکدیگر ارث هم می‌برند. آن‌گاه به سخن در سیره و زندگی امیرالمومنین علی (علیه السلام) در همین چارچوب می‌پردازد (زیرا مخاطبان وی معمولاً شیعه هستند) و همواره بر آن بود که به این مخاطبان بگوید: «اگر واقعاً شیعه علی

رویاریوی تقریبی‌های احیاگر از یک سو، با تفرقه‌انگیزان متحجر از دیگر سو در زمان اوست، نقل کنم:

«علی، فدای وحدت اسلامی شد؛ چه کسی به اندازه علی برای وحدت، حرمت و پابندی بخرج داد؟ دیگران اهل فصل بودند و او اهل وصل. متأسفانه می‌بینیم که امروز کسی بالای منبر می‌رود و می‌گوید: «بحمدالله از آغاز زندگی، همواره مخالف وحدت اسلامی بوده‌ام». خدا امثال تو را نیافریند مرد! مگر نشنیده‌ای آیه قرآن را...» (۴) و در ادامه آیاتی را که به وحدت فرامی‌خوانند و از اختلاف نمی‌کنند، یادآوری می‌کند.

محور سوم- محور بیان چند و چون دعوت اسلامی است که «استاد شهید مرتضی مطهری» به دلیل گفتمان ملی و فرقه‌ای که در آن زمان رایج و متداول بود، در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خویش بر آن تأکید می‌کند و در سخن از جهانشمولی اسلام، درنگ می‌کند و مواضع قرآن و سیره نبوی را نسبت به چارچوب‌های ملی و طایفه‌ای و هر چارچوب دیگری که میان مسلمانان جدایی افکند، مطرح می‌سازد و گفتمان غربی خطاب به ایرانیان در مورد اسلام را که مدعی است اسلام برای ایرانیان بیگانه است و به لحاظ ملی یا زبانی و فرهنگی پیوندی با آنها ندارد، مطرح می‌کند و در بسیاری از کتاب‌های خود به آن پاسخ می‌دهد و بر جهانشمولی فراخوان اسلام و بنیادهای انسانی آن تأکید کرده و یادآور می‌شود که آیا می‌شود مسیحیتی را که اینک غرب بدان متدین است و از فلسطین نشئت گرفته، با غربیان بیگانه دانست؟! آن‌گاه با بهره‌گیری از آیات قرآنی و سنت شریف نبوی، بنیادهایی را که اسلام در ارزیابی انسان بر آنها استوار گشته، مطرح می‌کند: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم...» (سوره حجرات- ۱۳) (... بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست.)، «ای گروه قریش! حسب نسب آدمی دین و مروت وی، اخلاق و ریشه و اصل وی، عقل اوست و بدانید که عربی، زبانی گویاست ولی پدر [یا اعتبار] کسی به شمار نمی‌آید و هر کس در عملش کوتاهی کرد، حسب و نسب، بکارش نمی‌آید.» (۵)

محور چهارم- حج و وحدت مسلمانان: «استاد شهید مرتضی مطهری»، یک کتاب خود را به سخن درباره حج اختصاص داد که همه آن درباره نقش حج در تثبیت وحدت مسلمانان و مفاهیم نهفته در مناسک حج از جمله وحدت صف مسلمانان، تحکیم همدلی‌ها و از میان برداشتن تفاوت‌های قومی، مذهبی و طبقاتی است. او بر آن است که اقتضای سنت رسول خدا (ص) ایجاب می‌کند همه چیز در حج در خدمت به وحدت مسلمانان و احساس برادری آنان قرار گیرد؛ چه پیامبر خدا (ص)

## □ مسأله نزدیکی (تقریب) مذاهب

اسلامی و وحدت امت، گستره

بزرگی از فعالیت‌های فکری،

تبلیغی و علمی «شهید مطهری» را

در بر می‌گیرد. این پدیده در

شخصیتی که احیای امت را

وجهه همت خود قرار داده،

کاملاً طبیعی است.

هستند، باید بیش از دیگران به وحدت امت توجه داشته باشید و بدین ترتیب به آن گروه از کسانی پاسخ می‌دهد که از ولایت اهل بیت، خاستگاهی برای تفرقه میان مسلمانان، ساخته‌اند.

در سیره حضرت علی (ع)، مواضع آن حضرت نسبت به خلفا در حفظ وحدت امت و نیز همکاری خالصانه با ایشان در راستای صیانت اسلام و جامعه اسلامی را خاطر نشان می‌سازد، از جمله توصیه ایشان به خلیفه دوم که در فتح ایران بالشکریان همراه نگردد تا مبادا کشته شدنش، دشمن را گستاخ و روحیه ارتش آنها او را بالا ببرد. همچنین که به موضع ابوسفیان که علی (ع) را تشویق به قیام علیه ابوبکر می‌کرد و چنین وانمود می‌ساخت که او به حقانیت علی در خلافت ایمان دارد و نیز موضع علی (ع) در نفی قاطع این حرکت و تأکید آن حضرت بر توجه و اهتمام به سلامت اسلام، اشاره می‌کند.

پس از آن «استاد شهید مرتضی مطهری» می‌گوید: «به نظر می‌رسد که داستان امثال ابوسفیان، همچنان در کار تفرقه‌انگیزی میان مسلمانان و تظاهر به دوستی با اهل بیت است! و نسبت به چنین دست‌هایی هشدار می‌دهد و بر ضرورت توجه به شیوه و سیره حضرت علی (ع) در رفع شر این تفرقه‌انگیزان، انگشت می‌گذارد.» (۳)

ایشان در کتاب «سیری در نهج البلاغه»، بر موضع «حضرت علی (ع) نسبت به وحدت امت و فداکاری‌هایی که در این راه به عمل آورد، تأکید می‌کند؛ بی‌مناسبت نیست عبارتی از وی را که بیانگر

از این فرصت برای اعلام این شعار بهره گیری کرد: «ای مردم، پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است و همگی از آن آدم و آدم نیز از جنس خاک است؛ گرامی ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست و هیچ عربی بر غیر عرب برتری ندارد مگر به تقوا.» (تحف العقول - ۳۴)

و از علی (علیه السلام) سخنی درباره حج را مطرح می سازد: «خداوند سبحان، آنرا نشانه ای (علم) برای اسلام قرار داد. (نهج البلاغه - خطبه اول.)»  
(و «عَلَم» را پرچمی معنا می کند که مدافعان مجموعه امت به گرد آن جمع می شوند و سمبل زندگی جمعی و بقا و قدرت و مقاومت آن [در برابر دشمنان و موانع وحدت] است و اگر این پرچم بر زمین افتد، نشانه سقوط و فروپاشی است.

از امام «جعفر صادق» (ع) این سخن را درباره حج نقل می کند که فرمود: «در حج، اجتماعی قرار دارد که از شرق و غرب بدان روی می آورند تا با همدیگر آشنایی پیدا کنند.» و به توضیح مناسک حج - یک به یک - می پردازد و یادآور می شود که همه این مناسک، دارای معنایی در راستای تحکیم مفهوم جماعت و امت واحد در اسلام، می باشند.» (۶)

محور پنجم - نفی مقوله «یا همه آنچه را دارم می پذیری یا همه را رد می کنی»، این عبارت «استاد شهید مرتضی مطهری» در واقع بیان دیگر مقوله «در موارد اتفاقی، همکاری می کنیم و در آنچه اختلاف داریم یکدیگر را معذور می داریم» است.

او به نقل نظر مخالفان وحدت اسلامی می پردازد که می گویند وحدت به معنای کوتاه آمدن از باورهاست؛ آنها توحید مذاهب (یکی ساختن مذاهب) و وحدت امت در چارچوب اسلامی را با هم در می آمیزند و توضیح می دهد که وحدت به معنای همکاری در گستره مشترکات - که خیلی هم زیاد هستند - و حفظ دیدگاههای خاص هر مذهب برای خویش است و مثال هایی از زندگی «حضرت علی» و اهل بیت «ع» می آورد که آنها دیدگاههای ویژه خود را داشتند ولی این امر مانع از آن نبود که بگویند «به خدا سوگند مادام که امور مسلمانان به سامان باشد و ستمی جز بر خود من نباشد، تسلیم خواهم بود» (نهج البلاغه / ۷۴) و نیز این گفته مولای متقیان علی (ع) را نقل می کند که فرمود: «هر کس که یکی از خوی های نیک در وی ریشه داشته باشد، او را بدان گیرم و هر آنچه جز آنرا، بروی می بخشایم ولی نداشتن عقل و دین را نمی بخشم.» «استاد شهید مرتضی مطهری» سعی کرد در برنامه فکری

افراد با یکدیگر می انجامد گو اینکه عوامل دیگری وجود دارد که به این درگیری و نزاع خاتمه می بخشند؛ این عوامل یا «مصلحتی» هستند یا «مکتبی».

عوامل مصلحتی، گروههای همکار را در یک تعاونی و یا شرکت تجاری یا اقتصادی، گرد هم می آورد که هر یک از این شرکاء مصلحت خود را در پیوند با مصلحت دیگر شرکا می بیند، بنابراین، در چارچوب تحقق این مصلحت، با یکدیگر همکاری می کند؛ می توان چنین همکاری را تعاون و نه «همیاری و همدلی» نامید.

همدلی و همیاری در صورتی است که مردم بر اساس رسالتی از جمله مصلحت ملی یا قومی، گرد هم آیند گو این که در تاریخ جز برنامه دینی، برنامه مصلحتی - رسالتی دیگری افراد را به یکدیگر نزدیک و همدل و همیار، نساخته است.

آنگاه «استاد شهید مرتضی مطهری» مثال هایی از همدلی و همیاری مسلمانان در سایه رسالت اسلام، در دوران نخست آن را یادآور می شود و متونی از سیره صحابه و از سیره «امام علی» (ع) نقل می کند که گویای توانایی دین در اعتلای هم و غم مردم در حد هم و غم یک امت است.

به گونه ای که امام علی (ع) می فرماید: «و شایسته نیست که با شکم پر، خواب را بر خویشتن، خوش و شیرین سازم ولی پیرامونم شکم های گرسنه و جگرهای تشنه پیوسته باه و ناله و آهنگ ناامیدی، بخوابند و هیئات آنچنان باشم که سراینده [حاتم طائی معروف] گفته است:

درد و اندوه همین قدر تو را بس که شب را با شکم پر بخوابی و پیرامونت کسانی باشند که جگرشان برای آب و نانی، لک می زند.

(نهج البلاغه - نامه شماره ۴۵)  
آیات متعددی بیانگر تأکید قرآن مجید بر این الفت و همدلی و اهمیت آن است، از جمله: «و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها» (سوره آل عمران - ۱۰۳) «... و در لبه پرتگاهی از آتش بودید که شما را از آن رهانید...» و آیه «لو انفقتم ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لكن الله الف بینهم انه عزیز حکیم» (سوره انفال - ۶۳) «اگر همه آنچه را در زمین است می بخشیدی، میان دل های آن پیوستگی نمی دادی اما خداوند ایشان را با هم پیوستگی داد، بی گمان او پیروزمندی فرزانه است.» (۷)

محور هفتم - وحدت و زندگی؛ در این محور «استاد شهید مرتضی مطهری» برداشت تمدنی از وحدت را مطرح می سازد و بر آنست که مأموریت یا رسالت اسلام، احیای (زندگی بخشی) است: «یا



خود، ایده وحدت جان های انسانی - الهی را تثبیت نماید و همواره از تبدیل «من» به «ما» گفت و بر آن بود که این تبدیل، یکی از اهداف مصلحان بزرگ تاریخ بوده است. او در دریای تاریخ و ادبیات به جست و جوی می پردازد تا آنچه در تأیید سخنان خود می یابد، استخراج و چاشنی سخنان و نوشته هایش کند تا بر جانها مؤثرتر افتد. در این موضوع از «مولانا جلال الدین رومی» شاهد مثال می آورد که عرفانش بر اساس وحدت جان ها و از میان برداشتن هر آنچه چیزی است که مانع از دوستی و وحدت و همدلی آنها می گردد، از جمله:

جان گرگان و سگان از هم جداست  
متحد جانهای شیران خداست  
همچو آن یک نور خورشید سما  
صد بود نسبت به صحن خانه ها  
لیک یک باشد همه انوارشان  
چون که برگیری تو دیوار از میان

محور ششم - عواطف انسانی و وحدت: «استاد شهید مرتضی مطهری» بر آن است که انسان ذاتاً گرایش به فردیت خود دارد و این گرایش معمولاً با گرایش های فردی دیگران برخورد می کند و به نزاع

ایهاالذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم. (سوره انفال - ۲۴) (ای مومنان، ندای) خداوند و پیامبر را هرگاه شما را به چیزی فراخوانند که به شما زندگی می بخشد، اجابت کنید و بدانید که خداوند میان آدمی و دل او میانجی می شود...

و بر آن است که طبیعت، جسم زنده و هم پیوندی و همیاری و بهم پیوستگی ارگانیک اندام های مختلف آن با یکدیگر است و گفته پیامبر اکرم (ص) نیز گویای همین نکته است: «مثال مومنان در دوستی و محبت و مهربانی با یکدیگر، همچون تنی است که چون عضوی از آن شکوه کند، دیگر اعضای تن، بی قراری می کنند [چو عضوی ببرد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار].» (الجامع الصغیر» ۲/ - ۱۵۵)

«آیت الله شهید مرتضی مطهری» در کتاب اخیای تفکر اسلامی می گوید: «یکی از نشانه های زندگی و پویایی در جامعه، وجود همبستگی و همدلی میان افراد آنست؛ ویژگی های مرگ و ایستایی، پراکندگی و تفرقه و جدایی اعضا و اندام ها از یکدیگر و خاصیت زندگی در جامعه، همبستگی و اتحاد میان اغلب اعضا و اندام های آن است. آیا امروزه جامعه اسلامی، جامعه زنده ای است یا جامعه مرده؟ با توجه به درگیری هایی که مشاهده می کنیم و جنگ ها و نزاع های داخلی که مشغول آتند و فرصت هایی که برای دشمنان خود در تسلط بر مقدرات و سرنوشت خود فراهم می کنند، می توان گفت که جامعه مرده ای است» (۸)

محور هشتم - عشق و وحدت: عشق، صرف نظر از اینکه غریزی باشد یا روحی و روانی، آدمی را از حصار خویش بیرون می برد؛ ذات خویش، زندان و حصار آدمی است و عشق به دیگری، این حصار را فرو می ریزد؛ انسان متزوی در خود و فرو رفته در خویشتن، احساسات دوستی و عشق نسبت به دیگری، ندارد؛ انسان بزدل و متکبر و خودخواه و مغرور و سنگدلی است که در روحش کمتر نور امیدی یافت می شود و هرگاه عشق وارد آن گردد، جوهر انسان را دگرگون می سازد و او را عنصر نازک دل، تیزبین و هوشیار و پر جنب و جوشی می سازد. «مولانا» نیز می گوید:

از محبت تلخها شیرین شود

از محبت مسها زرین شود. (۹)

«استاد شهید مرتضی مطهری» به رابطه میان مرد و زن [زن و شوهر] از این دیدگاه می نگرد. این پیوند، شهوانی محض نیست پیوند شهوانی، خودپرستی را تحکیم می بخشد حال آن که پیوند زن و مرد (همسران) بسی والاتر از آن است و آنچنان که خداوند متعال در قرآن مجید می گوید، پیوند دوستی و مهربانی و محبت است: «و من آیاته ان خلق لکم

بی انصافی» نخواهد بود. ستمگری یا تعبیر قرآنی آن «بغی»، آن است که انسان به حقوق دیگران تجاوز کند.

«استاد مطهری» با لحن تند می گوید: اگر نگاهی به جوامع اسلامی خویش اندازیم، می بینیم نحوه برخورد های رایج، بر اساس «بغی» یعنی بی انصافی و ستمگری است. جوامع ما سرشار از آزار و اذیت دیگران است، گویی گرفتار سادیسم هستیم!

سخن شایعی است که گفته می شود غربی ها، عقل و منطق دارند و ما شرقی ها، عاطفی هستیم، هرگز! اگر از عاطفه اجتماعی برخوردار بودیم، این روابط خفقان آور و این خودخواهی ها و خودپرستی مزمن در ما وجود نداشت؛ به یکدیگر دروغ می گویم و گاه تظاهر به سخاوتمندی می کنیم و ضیافت می دهیم ولی از ستم کردن به کسانی که تحت تکفل ما هستند یعنی به همسر و کودکان و خدمتکاران خود، ابایی نداریم. (۱۱) این شدت لحن، نشان از آن دارد که «استاد شهید» از دوگانگی های شخصیت [افراد] در جامعه و نمود های فراموشی اهداف انسانی که انسان به خاطر آنها آفریده شده است، به شدت ناخرسند و در رنج بود.

او که احیای است که می خواهد انسان برای اهداف بزرگتر و والاتر از منافع شخصی خود زندگی کند، اهدافی که آنانرا وحدت بخشد، والایی دهد و عمر و زندگی شان را شکوه و پاکی بخشد، چرا دزدمند نباشد و بی تابی نکند!

## □ «استاد شهید مرتضی مطهری»

**مثال هایی از همدلی و همیاری مسلمانان در سایه رسالت اسلام، در دوران نخست آن را یاد آور می شود و متونی از سیره صحابه و از سیره «امام علی» (ع) نقل می کند که گویای توانایی دین در اعتلای هم و غم مردم در حد یکامت است.**

من انفسکم از واجالتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة» (سوره روم - ۲۱) (و از نشانه های او اینست که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما دل بستگی پایدار و مهر پدید آورد... (۱۰))

«استاد شهید مرتضی مطهری» از این محور نتیجه گیری می کند که کاستی عاطفه و عشق و دوستی در دل ها، عامل تفرقه و پراکندگی است حال آن که عشق و دوستی و مهر، دلها را نرم و عواطف را صیقل و خوی ها را پیرایش می کند و متفرقان را گرد هم می آورد.

محور نهم - عدل و احسان و وحدت: «استاد شهید» در این آیه قرآنی به تأمل می نشیند: «ان الله یامر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی». (سوره النحل - ۹۰) (به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و ادای (حق) خویشاوند، فرمان می دهد و از کارهای زشت و ناپسند و افزونجویی باز می دارد...) و افراد بشر به لحاظ عواطف اجتماعی، دارای سه حالتند: «عدل»، «احسان» و «بی انصافی و ستمگری».

با «عدل»، مردم بر اساس حفظ حقوق یکدیگر با هم برخورد می کنند؛ پاسدار حقوق خویش هستند و به حقوق دیگران نیز تجاوز نمی کنند؛ با «احسان»، مردم بر اساس ایثار و فداکاری برخورد می کنند و به خاطر دیگران، از حقوق خویش صرف نظر می کنند و از اموال و موقعیت و آسایش خود برای یاری رساندن به نیازمندان، هزینه می کنند.

ولی بدون عدل و احسان، چیزی جز «ستمگری و

### بی نوشت:

- ۱- مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صدسال اخیر، ص ۷۵.
- ۲- یادداشت های استاد شهید مرتضی مطهری، (۴۱۸/۷-۴/۹).
- ۳- مرتضی مطهری «امامت و رهبری»، صص ۲۰-۱۸.
- ۴- مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۳۰۷.
- ۵- نگاه کنید به: مرتضی مطهری، «خدمات متقابل ایران و اسلام»، صص ۶۹-۶۲.
- ۶- نگاه کنید به: مرتضی مطهری حج، صص: (۶۷، ۶۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱)
- ۷- «آشنایی با قرآن»، ۱۶۶/۳-۱۷۱-۰.
- ۸- مرتضی مطهری، «احیای تفکر اسلامی»، صص ۲۲ و ۲۳.
- ۹- «یادداشت های شهید مطهری»، ۲۷۸/۹-۲۷۹.
- ۱۰- مرتضی مطهری، «آشنایی با قرآن»، (۶/ ۷۸-۷۶)
- ۱۱- «یادداشت های شهید مطهری»، ۴۱۸/۷.